الناس
صورة منهم فقيل لم عليك النداء وعلينا التبليغ فقام على المقام وقال ايها
الناس حجوا بيت ربكم فقال الموفقون الذين كتب الله لهم الحج وهم في اصلاب آبائهم
وارحام امهاتهم لبيك بالسن الروح والبيان الروح لبيك فقيل كل من كرر
التلبية في ذلك العام تكرر له الحج والعمرة فنعمت بكسر نون يعني انعام است در ان
رغباء بفتح راء و مد ورغبى بضم وفتح اول وقصر طلب و سوال است من الرغبة
كما في المنهاج يعني در احوال است مروى است از انس رض كه رسول خدا منه
فرموده است پس وقتی که آن سالک اراده احرام و نیت حج کند بگوید [illegible]
دارم در اجابت دعوت و بندگی و طاعت باین طریق لبیک اللهم لبیک احرام نزد
علماء حنفیه تمام نمیشود مگر به نیت و تلبیه که هر دو فرضند در احرام و احرام شرط
است هم در حج و هم در عمره نزد علماء شافعی احرام رکن است و تلبیه سنت ۵
باید دانست که خطاب در لبیک اول از بهر حق تعالی است بحضرت ابراهیم است
که برای امتثال امر اذن بالناس بر کوه ابو قبیس بر آمده باواز بلند گفت یا
ایها الناس حجوا بیت ربکم حق تعالی بشنوانید این ندا هر مومن را که بروی زمین
بود یا در اصلاب آبا یا در ارحام امهات پس هر که اجابت کرد و لبیک اللهم
لبیک گفت مرة او مرتین او مرارا می رسد تا موافق عدد اجابت حج میکند
و در لبیک ثانی از که کلام دوم است بخداوند تعالی است بطریق جواب سلامی که تحفه
از نزد کسی برساند و مجیب السلام علیکم و علیه میگوید پس خطاب متعدد در کلام
واحد لازم نمی آید قوله ان الحمد والنعمة لک والملک بکسر همزه است و در نسخه
بفتح و در مختار گفته فتح مختار [illegible] است و کسر مختار ابو حنیفه و امام نووی
گفته الکسر علی الاستیناف والفتح للتعلیل والکسر اجود عند الجمهور و ثعلب

کونه

گفته الکسر اجود وثنا المعنی من الفتح لان من کسر جعل معناه ان الحمد والنعمة لک علی کل
حال ومن فتح قال معناه لبیک بهذا السبب لفظ والنعمة منصوب است علی الاصح
که معطوف است و قاضی گفته و یجوز رفعها علی الابتداء پس خبرش محذوف است ای
لک بقرینه خبر ان که مذکور است پس این جمله حالیه معترضه است و محتمل که لک خبر النعمة
باشد و خبر ان الحمد محذوف بقرینه مذکور و قیل رفع نعمت بنابر عطف است بر محل اسم
ان علی رای و لفظ الملک منصوب است علی الاصح که لک خبر هر یک از حمد و نعمت است والملک
و محتمل که الملک مبتدا باشد و خبرش محذوف است ای والملک کذلک و مستحب است
وقف بر الملک قوله لا شریک لک واجب است لیکن هر یکی از حمد و انعام و ملک
قوله لبیک و سعدیک الا اخره و در نسخه صحیح لبیک مکرر است یعنی در صحیح مسلم
و سنن اربعه مروی است موقوف از قول ابن عمر رضی الله عنه که در وقت
احرام در تلبیه خود زیاده میکرد والرغبی الیک والعمل قوله و سعدیک ای اعانت
و یاری میطلبم بر طاعت تو اسعادا بعد اسعاد و اعانة بعد اعانة قوله والخیر
بیدیک شرح این قول بالام مرقوم است و در بعض روایات والخیر کله بیدیک است
و در بعض نسخ بعد این قول زیادت لبیک است که در صحیح مسلم و سنن اربعه ثبت
بعد اگفته اند که از سهو ناسخان است قوله والرغبی والرغباء الیک یعنی بعد نیز
مروی است ای طلب و سوال هر طالبی و سائلی منتهی است بسوی تو و طریق
مضمون ایاک نستعین و عمل صالح عائد است بسوی تو و مقصود از ان عمل توئی
بر وفق معنی ایاک نعبد والعمل مبتدا است و خبرش الیک است مذکور یا محذوف
بقرینه مذکور یا ~~محذوف بقرینه~~ مذکور ای والعمل الیک العمل قوله لبیک — اله الحق یعنی در سنن نسائی و ابن ماجه
و صحیح ابن حبان و مستدرک حاکم مروی است از ابی هریره رضی الله عنه که رسول خدا احیانا